

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۲ م./۱۳۷۴-۱۳۹۱ ش.

فاطمه محمدی^۱

چکیده

نوشتار پیش رو با طرح این پرسش که علل و دلایل اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس چیست، تلاش دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی-فرآیندی به این مهم پردازد که در کشورهای حاشیه خلیج فارس مرز، مفهومی بیگانه است و سرحدات بسیاری از کشورهای این منطقه به وسیله مناطق مرزی و نه خطوط مرزی مشخص می‌شوند. درخصوص مشخص نبودن دقیق مرزها در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به مواردی نظیر کوچ قبایل، وجود صحرای خشک و بی‌آب و علف و عدم اکتشافات نفتی اشاره کرد. عامل دیگری که علاوه بر مسائل محدودیت‌های جغرافیایی و یا اختلاف‌های میان منطقه‌ای در روابط میان کشورهای منطقه تاثیرگذار است، وجود منبع حیاتی نفت است که یکی عوامل اصلی در اختلاف و درگیری میان کشورها قلمداد می‌شود. حدود دوسوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. هرچند وجود همین عامل، یعنی نفت سبب شده تا کشورهای این منطقه برای تعیین حدود با یکدیگر وارد مذاکره شوند. به عبارت دیگر، تا قبل از این که منابع عظیم زیرزمینی در بستر و زیر بستر خلیج فارس کشف شود، عملاً اختلاف‌های سرزمینی بین این کشورها مطرح نبود. با آشکار شدن این حقیقت بود که اختلافات سرزمینی بین این کشورها بر سر تحدید حدود مناطق دریایی و حوزه‌های نفتی مشترک بین تمامی هشت کشور حاشیه خلیج فارس پدید آمد. البته دخالت‌ها و اعمال نفوذهای کشورهای استعماری به ویژه بریتانیا در شکل‌گیری و تداوم این اختلافات مؤثر بوده است. همچنین به دلیل بافت جمعیتی مردم ساکن سرزمین‌های خلیج فارس و به خصوص سواحل جنوب این پهنه آبی، عملاً مرزبندی‌های سیاسی تا اواخر قرن هجده میلادی در این

^۱ دکتری روابط بین‌الملل و استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبائی، Email:mohammadii.f@gmail.com

منطقه به شیوه رایج در دیگر نقاط دنیا شکل نگرفته بود. به هر رو، مرزهای بین برخی از کشورهای منطقه مانند امارات متحده عربی با عربستان سعودی، عمان با عربستان سعودی، عمان با یمن و امارات متحده عربی با عمان به علت وجود ادعاهای ارضی، سیاست‌های توسعه طلبانه و هزینه‌های زیاد مربوط به علامت‌گذاری تاکنون بر روی زمین علامت‌گذاری نشده‌اند. بنابراین، این نوشتار بر آن است تا با بررسی و مطالعه تحولات صورت گرفته در موضوع مرز و سرزمین مابین کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۲ م. / ۱۳۷۴-۱۳۹۱ ش.، علل و دلایل اختلاف‌های سرزمینی و مرزی کشورهای جنوبی خلیج فارس را در قالب توصیفی-فرایندی واکاوی نماید.

واژگان کلیدی: مرز، سرزمین، خلیج فارس، اختلاف، بحرین، قطر، عربستان، امارات متحده عربی، عمان.



مقدمه

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته محسوب می‌شود.^{۲۴۴} با این حال، کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس که بعد از جنگ جهانی اول و در نتیجه فروپاشی امپراتوری عثمانی تأسیس شدند، در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه از منظر مبانی هویت ملی و پیشینه تاریخی فاقد مؤلفه‌های پیوسته و قوی هستند. اغلب کشورهای جنوب خلیج فارس در رده‌بندی پنج‌گانه دولت‌ها، جزء دولت‌های کوچک طبقه‌بندی می‌شوند و تنها عربستان سعودی را می‌توان در جرگه دولت‌ها یا قدرت‌های متوسط محسوب کرد؛ چراکه این کشورها از منظر وسعت سرزمینی و میزان جمعیت در حد پایینی قرار دارند و از نظر عناصر و معیارهای قدرت، فاقد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالا هستند. این مسئله در کنار مشابهت بالای ساختارها و ویژگی‌های داخلی، منجر به پیدایش مسایل داخلی و سیاست خارجی تقریباً یکسانی برای این کشورها شده است.^{۲۴۵}

همچنین، منطقه ژئوپولیتیکی خلیج فارس از الگوی فوق‌العاده پیچیده اختلاف ارضی برخوردار است؛ به طوری که هر یک از موارد آن می‌تواند آتش جنگی تمام‌عیار را برافروزد. در مورد اختلافات مرزی باید گفت که به طور کلی هدف از اختلاف‌های مرزی عدم توافق در مورد محل دقیق مرز است؛ اما هدف از اختلاف‌های ارضی اختلاف در قلمرو است. بیش از ۵۰ مورد اختلاف‌های مرزی و ارضی در میان هشت کشور خلیج فارس وجود دارد که در این رابطه می‌توان به اختلاف مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید میان عربستان و قطر و نیز برخورد نظامی ناوهای جنگی امارات و عربستان که دارای اختلافات مرزی گسترده در

^{۲۴۴} محمود واعظی، «ترتیبات امنیتی خلیج فارس»، راهبرد، شماره ۴۰، تابستان، ۱۳۸۵، صص ۳۶-۲۳.

^{۲۴۵} علی‌اکبر اسدی، «شورای همکاری خلیج فارس؛ مبانی، ساختار و الگوها»، پژوهشنامه سیاست خارجی، مهر،

ش ۲۸، ۱۳۸۹، صص ۵۰-۲۱.

بخش‌های خشکی و دریایی هستند، اشاره کرد که منجر به غرق شدن ناو سعودی شد.^{۲۴۶} ذکر این نکته نیز ضروری است که اختلافات ارضی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز چالش بزرگی در برابر اتحاد این شورا نیز هست.

نوشتار پیش رو با طرح این پرسش که علل و دلایل اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس چیست، تلاش دارد به این بپردازد که در کشورهای حاشیه خلیج فارس مرز مفهومی بیگانه است و سرحدات بسیاری از کشورهای این منطقه به وسیله مناطق مرزی و نه خطوط مرزی مشخص می‌شوند. درخصوص مشخص نبودن دقیق مرزها در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به مواردی نظیر کوچ قبایل، وجود صحراهای خشک و بی‌آب و علف و عدم اکتشافات نفتی اشاره کرد. عامل دیگری که علاوه بر مسائل محدودیت‌های جغرافیایی و یا اختلاف‌های میان منطقه‌ای در روابط میان کشورهای منطقه تاثیرگذار است، وجود منبع حیاتی نفت است که یکی عوامل اصلی در اختلاف و درگیری میان کشورها قلمداد می‌شود. حدود دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد.^{۲۴۷} هرچند وجود همین عامل یعنی نفت سبب شده تا کشورهای این منطقه برای تعیین حدود با یکدیگر وارد مذاکره شوند.

شکل‌گیری مفهوم مرز و سرزمین در کشورهای جنوبی خلیج فارس

درخصوص مفهوم مرز و سرزمین تیلور^{۲۴۸} می‌نویسد: «سرحد متضمن مفهومی از درون به بیرون و مرز عکس آن یعنی بیرون به درون است. مرز خط مشخصی است که جدایی را نشان

^{۲۴۶} چالش‌های فراروی شورای همکاری خلیج فارس برای تبدیل به اتحادیه
<http://www.irna.com/fa/NewsPrint.aspx?ID=172510>، ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ - ۱۰:۵۱.

^{۲۴۷} جفری کمپ و رابرت هارکاو، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۰-۱۸۷.

^{۲۴۸} Taylor

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۱۹

می‌دهد؛ درحالی‌که سرحد یک منطقه تماس را نشان می‌دهد.^{۲۴۹} مرزها یا در آب‌ها و یا در خشکی تعیین می‌شوند. مرزهای خشکی، یا طبیعی‌اند و یا مصنوعی. مرزهای طبیعی در امتداد عوارض جغرافیایی مانند کوه و دره و رود تعیین می‌شوند و مرزهای مصنوعی با دیوار و ستون و یا از راه سیم‌کشی مشخص می‌شوند. مرزهای آبی دو گونه‌اند؛ یا رودخانه‌ای و یا دریایی. رودخانه‌های مرزی اگر قابل کشتی‌رانی نباشند، خط مرزی در وسط یا به توافق طرفین در یکی از کرانه‌ها تعیین می‌شود. اگر رودخانه‌ها قابل کشتی‌رانی نباشند، معمولاً ژرف‌ترین خط میانه رودخانه که خط‌القعر یا تالوگ نامیده می‌شود، مرز دو کشور است.^{۲۵۰} مرز در دریا دو گونه است؛ مرزهای سطح آب که براساس معیارهای بین‌المللی، از سه تا دوازده مایل دریایی و یا بیشتر از خط ساحلی هر کشوری تعیین می‌شود که به آب‌های ساحلی موسوم است.^{۲۵۱}

هر چند مفهوم و واژه قلمرو و مرز برای دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس پدیده نسبتاً جدیدی محسوب می‌گردد.^{۲۵۲} خاستگاه مرز در خلیج فارس را می‌توان ستون‌های مرزی قبل از اسلام - که ذکر آن‌ها در شاهنامه فردوسی آمده و مرز ایران و توران (ترکمنستان امروزی) را مشخص می‌کردند - و همچنین سنت حکومت‌های مرزدار سرحدات ساسانیان دانست.^{۲۵۳} تعیین اولین نمونه از مرزهای مدرن نیز در حومه خلیج فارس در دهه ۱۸۷۰ م. / ۱۲۴۹ ش. آغاز شد (مرزهای بلوچستان).

درواقع پیش از اواسط قرن ۲۰ م. / ۱۲۷۹ ش. تعیین قلمرو و ایجاد حکومت مستقل

^{۲۴۹}Peter J. Taylor, **Political Geography**, 2nd ed., Longman Group Ltd, London, 1989, p.145.

^{۲۵۰} پیروز مجتهدزاده، «مرز چیست و مرز سیاسی کدام است»، هفته‌نامه اراده آذربایجان، نهم تیر ماه، ۱۳۵۲.
^{۲۵۱} پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس: سلسله نوشتاری در جغرافیای سیاسی خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۱، ص ۶۸.

^{۲۵۲}kamrava, Mehran, ed., **International Politics of the Persian Gulf**, Syracuse: Syracuse University Press, 2011, p.21.

^{۲۵۳} پیروز مجتهدزاده، امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰، ص ۴۳.

سرزمینی برای حکمرانان حوزه خلیج فارس یک عنصر مهم حاکمیتی محسوب نمی‌گردید و حاکمیت تا حد زیادی به کنترل و نفوذ بر افراد بستگی داشت. سرزمین توسط رهبری که بر اساس روند سلسله‌ای یا قبیله‌ای و یا بر اساس توانمندی‌های شخصی خود که ناشی از ویژگی‌های فردی یا به‌کارگیری زور به قدرت رسیده بود، کنترل و اداره می‌شد و در طول زمان قبایل از طریق مهاجرت و با اتحاد با قبایل همسایه به دور هم جمع و متحد شدند. به عبارت دیگر تا قرن ۲۰ م. ۱۲۷۹/ش. مفهوم دولت-ملت برای عرب‌های کرانه خلیج فارس بیگانه بود و دولت‌ها سلسله‌ای و مبتنی بر توانمندی‌های رهبران قبایل بود. میزان قلمرو و مرزهای هر دولت در نوسان بود و از اصول مشخص و قاعده ثابتی پیروی نمی‌کرد.

درواقع در قرن ۲۰ م. ۱۲۷۹/ش. بود که دولت‌های این منطقه تحت‌تاثیر قدرت‌های خارجی و امپراتوری بریتانیا که از طریق حکومت هند در خلیج فارس حضور داشتند، با پدیده مرز آشنا گردیدند. تا اواسط قرن ۱۹ م. ۱۱۷۹/ش. مهم‌ترین مسئله بریتانیا در رابطه با عرب‌های کناره خلیج فارس به‌طور مشخص تأمین آزادی تجارت دریایی - از آنچه که آنها دزدی دریایی می‌نامیدند - بود. لذا در این خصوص ترتیباتی را وضع و شماری از معاهدات را با حکمرانان ساحلی در جهت همکاری در این زمینه در سال ۱۸۵۳ م. ۱۲۳۲/ش. منعقد نمودند. این معاهدات با دو هدف منعقد گردید: نخست جلوگیری از دزدی دریایی و همچنین ریشه‌کن نمودن تجارت برده. این پیمان‌ها و ترتیبات سبب ایجاد یک تغییر و تحول کیفی در وضعیت رهبران قبایل گردید و بسیاری از آنها برای نخستین بار عضو پیمان‌های بین‌المللی گردیدند که نه تنها آنها را، بلکه حتی جانشین‌های آنها را متعهد می‌نمود.

در طول قرن بیستم نیز بریتانیا بر قلمرو این قبایل همانند مردمان آنها اعمال کنترل نمود. با توسعه نظامی و غیرنظامی خطوط هوایی بریتانیا در خلیج فارس در طی سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ م. ۱۲۹۹-۱۳۰۹/ش. ایجاد و تأسیس مجموعه‌ای از فرودگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسید؛ لذا لازم بود که در این زمینه قواعدی تنظیم گردد و در جهت تأمین امنیت این فرودگاه‌ها و جلوگیری از تخریب آنها، اهمیت تعیین محدوده قلمروها مورد تأکید قرار گرفت. در واقع، در این زمان برای اولین بار حکمرانان برای همه فعالیت‌ها در سرتاسر قلمروی خود مسئول و

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۲۱

متعهد گردیدند.^{۲۵۴} مرحله مهم دیگر به امتیاز نفت و بهره‌برداری از آن، که بر عهده شرکت‌ها و کمپانی‌های بریتانیایی قرار داشت، مربوط می‌شود. بهره‌برداری و استخراج نفت ایجاب می‌نمود که محدوده خاک و قلمرو، حکمرانان به‌طور دقیق مشخص گردد. در این راستا، می‌بایست مناقشات و اختلافات پیرامون واحه‌ها، جزایر و... برطرف گردد. به بیانی بهتر، پیش از دوران اهمیت یافتن نفت و آغاز بهره‌برداری از آن، دولت‌های خلیج فارس تلاش چندانی را جهت ترسیم قلمروی خود انجام نداده بودند.^{۲۵۵}

استقلال و عضویت دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس در جامعه بین‌المللی نیز دلیل محکمی برای تعیین قلمروی دولت‌ها شد. با این حال، استقرار یا عدم‌استقرار مرزها تا حد زیادی به میزان روابط دولت‌ها در گذشته تا زمان استقلال آنها بستگی دارد. در واقع، مسایل مرزی یک بسته پیچیده است که از ماهیت سرزمینی و سیاسی برخوردار است و در بسیاری از موارد تنظیم مرزها و از بین رفتن مناقشات به چگونگی عادی‌سازی روابط بین کشورهای درگیر بستگی دارد.^{۲۵۶}

اختلاف سرزمینی و مرزی بحرین و قطر

در تاریخ جغرافیای سیاسی بحرین و قطر، یکی از عمده‌ترین موضوعات، ادعاهای متقابل بحرین و قطر بر مالکیت مجمع‌الجزایر حواری^{۲۵۷} در نزدیکی شبه‌جزیره قطر بوده است. مجمع‌الجزایر حواری شامل سی‌وشش جزیره است^{۲۵۸} که شانزده جزیره آن بزرگ‌تر از بقیه

^{۲۵۴}Peterson, J.E., "Sovereignty and Boundaries in the Gulf States: Settling the Peripheries, in Mehran kamrava, ed., **International Politics of the Persian Gulf**, Syracuse: Syracuse University Press, 2011, pp.23-25.

^{۲۵۵} http://www.mongabay.com/history/oman/oman-territorial_disputes.html

^{۲۵۶} Kamrava, Op.cit, p 26.

^{۲۵۷} Hawar

^{۲۵۸}Mike Hill, **Hawar Islands**, Miracle Publishing,2005.

هستند.^{۲۵۹} این جزایر در نزدیکی منطقه نفتی دخان^{۲۶۰}، در غرب شبه‌جزیره قطر قرار دارند و آب دریا بین این منطقه و جزایر تاحدی کم‌عمق است که هنگام جزر دریا این دو خشکی به یکدیگر متصل می‌شوند. با توسعه اکتشاف و استخراج نفت قطر و نفت فلات قاره، ابعاد اختلاف دو کشور بیشتر شد.^{۲۶۱} چندین سال بر سر مالکیت این جزیره‌ها مناقشاتی بین دو کشور بحرین و قطر در میان بود. «آل‌ثانی» قبیله حاکم بر قطر مدعی بود که منطقه حواری جزایر هم‌گروه با آن به اشغال بحرین درآمده است و در اصل متعلق به قطر و خاندان آل‌ثانی است. آل‌ثانی این‌گونه استدلال می‌کنند که این مناطق در فاصله بسیار کوتاهی از قطر قرار گرفته‌اند؛ اما بیش از بیست کیلومتر از بحرین فاصله دارند.

«آل‌خلیفه» قبیله حاکم بر بحرین نیز مدعی بود که در سده هجدهم پس از جنگ با ایرانی‌ها در ۱۷۸۲ م./ ۱۱۶۱ ش. و شکست ناصرالمذکور حاکم بحرین و بوشهر، منطقه زبارة^{۲۶۲} در ساحل شمال غرب قطر را در حاکمیت خود گرفته و در آن مستقر شده بود. اختلافات دو خاندان حاکم در بحرین و قطر زمانی به اوج خود رسید که بالگردهای قطری در بهار ۱۹۸۶ م./ ۱۳۶۵ ش.، کارگران ساختمانی مشغول به کار ساختن یک پست دیده‌بانی ساحلی در فشت و دیبال در نزدیک ساحل قطر را ربوده و از آنجا دور ساختند. این کشمکش با میانجی‌گری عربستان به پایان رسید و با عقد یک پیمان ترک مخاصمه، بحرین توافق کرد تأسیسات خود را از منطقه خارج کند. اما هنگامی که قطر در سال ۱۹۹۱ م./ ۱۳۷۰ ش. مسئله اختلافات سرزمینی را به دیوان بین‌المللی لاهه ارجاع داد، اختلافات به اوج خود رسید و هر دو مدعی شدند که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

^{۲۵۹} Ange Clarke, *The islands of Bahrain: an illustrated guide to their heritage*.

[Manama, Bahrain] (P.O. Box 5087, Manama): Bahrain Historical & Archaeological Society, 1981.

^{۲۶۰} Dukhan

^{۲۶۱} مجتهدزاده، همان، ۱۳۷۱، صص ۲۰۲-۲۰۴.

^{۲۶۲} Zubarah

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۲۳

نیروهای دریایی هر یک مانع کشتی‌رانی طرف مقابل در آب‌های مورد کشمکش شده‌اند.^{۲۶۳} بعد از این که شیخ حامد بن خلیفه در سال ۱۹۹۵ م./۱۳۷۴ ش. در قطر به سلطنت رسید، سیاست‌های داخلی و خارجی برجسته‌ای را - از جمله رویکرد مصالحه‌محورانه با بحرین - در پیش گرفت. البته قطر در سال ۱۹۹۱ م./۱۳۷۰ ش. نیز تلاش کرده بود که با ارجاع این مسئله به دیوان بین‌المللی دادگستری آن را حل نماید که متأسفانه به دلیل عدم‌عنوان‌شدن ادعای قطر نسبت به زبارة دادگاه تقاضای قطر را نپذیرفت. همچنین پیشنهاد بحرین درخصوص میانجی‌گری عربستان در این زمینه هم مورد قبول قرار نگرفت. در سال ۱۹۹۵ م./۱۳۷۴ ش. قطر بار دیگر از دیوان لاهه خواست که علی‌رغم مخالفت بحرین با از سرگیری وساطت عربستان چندان هم مخالف نیست. اختلاف بین دو کشور برای سال‌ها ادامه داشت تا این که با محکومیت دو قطری به‌خاطر جاسوسی در بحرین و اتهام قطر به بحرین به دلیل مشارکت در کودتای ۱۹۹۶ م./۱۳۷۵ ش. در راستای برگرداندن امیر به حکومت باعث به اوج رسیدن اتهامات متقابل گردید. در این بین یک افسر نیروی هوایی بحرین با بالگرد خود به قطر پناهنده شد. بحرین در سال ۱۹۹۶ م./۱۳۷۵ ش. نشست شورای همکاری خلیج فارس در دوحه را به‌خاطر اختلاف تحریم کرد. در سال ۲۰۰۰ م./۱۳۷۹ ش. سفرای دو کشور براساس تنظیمات و ترتیبات دیوان بین‌المللی دادگستری در راستای بهبود روابط و بحث در زمینه اختلافات با هم ملاقات کردند.^{۲۶۴}

در ۱۶ مارچ ۲۰۰۱ م. ۲۶/ اسفند ۱۳۷۹ ش.، قضات دادگاه بین‌المللی دادگستری طی حکمی جزایر حوار را با تعداد آرای ۱۲ به ۵، به بحرین اعطا کردند و قطر همچنان حاکمیت خود را بر زبارة حفظ نمود^{۲۶۵} و از این طریق به طولانی‌ترین مورد اختلاف ارضی در طول تاریخ پایان

^{۲۶۳}http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%DA%98%D9%87:%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%A8%D8%B9_%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/9990137137

^{۲۶۴}kamrava, Op.cit, pp. 31-32

^{۲۶۵}CIA-The World Fact book,<http://www.icj-cij.org/docket/index.php?sum=443&code=qb&p1=3&p2=3&case=87&k=61&p3=5k>

دادند.^{۲۶۶} بنابراین، بر پایه رأی داوری دیوان بین‌المللی دادگستری اختلافات مرزی بحرین و قطر در سال ۲۰۰۱ م. / ۱۳۷۹ ش. به پایان رسید. بحرین همچنان جزایر حوار و قطعه الجراده^{۲۶۷} را در کنترل خود گرفت؛ اما از ادعای خود بر جزیره جنان و زباره دست کشید. بر پایه این رأی، قطر مناطق عمده‌ای از دریا و منابع آن را به دست آورد. هرچند این تصمیم سبب شکل‌گیری بحث‌های جدی و قابل ملاحظه‌ای گردید؛ با این حال، قضات دادگاه لاهه با هدف از بین بردن بقایا و نتایج دوران استعمار این تصمیم را اتخاذ نمودند.^{۲۶۸} همچنین در نتیجه این تصمیم قرار شد که پلی به اندازه سی کیلومتر به‌عنوان نماد دوستی بین دو کشور قطر و بحرین ساخته شود که در صورت ساخت و نهایی شدن آن، بزرگترین پل جهان محسوب خواهد شد. این پل دوستی زباره را به بحرین پیوند می‌دهد و در نتیجه آن، از گردشگران قطری منافع و عواید اقتصادی بسیاری نصیب بحرین خواهد شد. توافقنامه نهایی برای ساخت این گذرگاه در سال ۲۰۰۶ م. / ۱۳۸۴ ش. امضا شد و نقشه‌برداری‌های آن از سال ۲۰۰۸ م. / ۱۳۸۶ ش. آغاز شده است. همچنین طرح‌هایی از جمله حمل گاز قطر به بحرین به‌عنوان بخشی از شبکه گاز خلیج فارس ارائه شده است. اگرچه مشکلات و مسایل کوچک نظیر دستگیری اتفاقی صیادان، همچنان وجود دارد و گاهی روابط دوجانبه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، به‌طور کل روابط چندان بهبود نیافته است.^{۲۶۹}

اختلاف سرزمینی و مرزی عربستان و قطر

پیشینه اختلاف‌های مرزی و سرزمینی عربستان سعودی با قطر به اواسط قرن نوزدهم بازمی‌گردد و باریکه‌ای از زمین‌های جنوبی قطر را در برمی‌گیرد. عربستان سعودی مدعی مالکیت بیست‌وسه مایل از سواحل جنوب شرقی قطر است و دو کشور در مورد مرزهای

²⁶⁶ Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain) [http:// www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iqb/iqbjudgments/ijudgment_20010316/iqb_ijudgment_20010316.htm](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iqb/iqbjudgments/ijudgment_20010316/iqb_ijudgment_20010316.htm)

²⁶⁷ Al Jaradeh

²⁶⁸ <http://www.theestimate.com/public/032301.html>

²⁶⁹ kamrava, Op.cit, p. 32.

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۲۵

جنوب غربی و خلیج «سلوا»^{۳۷۰} واقع در این منطقه نیز با یکدیگر اختلافات ارضی دارند. بنابراین، اختلافات مرزی و سرزمینی میان دو کشور از خلیج «سلوا» واقع در جنوب غربی قطر آغاز و تا «خورالعدید» واقع در جنوب شرقی قطر امتداد می‌یابد.

درواقع، عربستان از زمان تأسیس تاکنون همواره سیاست گسترش به طرف شرق را دنبال کرده و یکی از رؤیاهای دیرینه آن تسلط بر تمام شبه‌جزیره عربستان است. در راستای این سیاست، علی‌رغم پیشنهاد خطوط مرزی متعدد و انعقاد قراردادهای مرزی مختلف هنوز مرز بین قطر و عربستان مشخص نیست. از زمان انعقاد نخستین قرارداد مرزی در ژوئیه ۱۹۱۳ م. تا انعقاد آخرین موافقت‌نامه مرزی در دسامبر ۱۹۹۲ م. / ۱۳۷۰ ش.، عربستان بیش از صد کیلومتر به زیان قطر به طرف شرق و پنجاه کیلومتر به طرف شمال جزیره قطر پیشروی کرده است. به موجب این پیشروی‌ها سعودی‌ها خورالعدید را تصرف کرده و موفق شده‌اند در شرق قطر به سواحل خلیج فارس دست یابند. علاوه بر آن، سعودی‌ها به دو هدف خود دست یافته‌اند؛ یکی آنکه ارتباط زمینی قطر را با امارات متحده عربی قطع کرده و این کشور را در محاصره خود درآورده‌اند. این مسئله نگرانی قدیمی قطر مبنی بر ادغام این کشور در عربستان را دوباره تقویت کرده است. هدف دیگری که سعودی‌ها به آن دست یافته‌اند، شریک شدن در آب‌های ساحلی قطر در شرق این کشور است. همچنین باید اشاره کرد که مرزهای دریایی عربستان با قطر در این منطقه و در غرب قطر یعنی در خلیج سلوا هنوز تعیین نشده است. بالأخره به موجب موافقت‌نامه مرزی دسامبر ۱۹۹۲ م. / آذر ۱۳۷۱ ش. که بعد از تجاوز عربستان به قطر منعقد شده است، این کشور ناگزیر گردید که بخش دیگری از اراضی خود را در جنوب غربی یعنی خلیج سلوا به عربستان واگذار نماید.^{۳۷۱}

همچنین باید ذکر نمود که اختلاف‌های موجود میان عربستان و قطر را باید یکی از جدی‌ترین اختلاف‌ها و درگیری‌های مرزی و ارضی بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به‌شمار آورد که هرازچندگاهی تشدید و موجب بروز تنش میان دو کشور می‌شود که بارزترین

^{۳۷۰} Selva Gulf

^{۳۷۱} اصغرجعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران: قومس، ۱۳۷۴، صص

نمونه آن به اوت سال ۱۹۹۲ م./۱۳۷۰ ش. بازمی‌گردد که درگیری مسلحانه بین دو کشور را به دنبال داشت و در نتیجه آن یک نظامی سعودی و دو نظامی قطری کشته شدند. این درگیری مسلحانه موجب شد قطر در نوامبر همان سال شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزیران را تحریم کند؛ اما در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲ م./۲۹ آذر ۱۳۷۱ ش. ریاض و دوحه با امضای موافقت‌نامه ۱۹۶۵ م./۱۳۴۴ ش. و اجرای آن به‌طور موقت بر اختلافات خود سرپوش گذاشتند و به‌موجب این قطعنامه عربستان سعودی چند کیلومتر از خاک خود را به قطر داد.

یکی از مناطق مورد اختلاف عربستان و قطر، اختلاف بر سر منطقه «ابولخفوس» است که از سال ۱۹۶۵ م./۱۳۴۴ ش. تاکنون دو کشور با یکدیگر درگیری دارند. منطقه الخفوس در نزدیکی راهی قرار دارد که به یک پایگاه دریایی منتهی می‌شود که عربستان سعودی آن را در «خور العدید» ایجاد کرد و خور العدید خلیج کوچکی است که در جنوب قطر واقع شده است و بر مبنای توافق‌نامه ۱۹۷۴ م./۱۳۵۳ ش. به عربستان داده شد. به عبارت دیگر، پیش از قرار گرفتن آن تحت حاکمیت عربستان سعودی، از آن کشور امارات متحده عربی بود؛^{۳۲} اما منطقه ابوالخفوس از این جهت برای قطر مهم شمرده می‌شود که از این طریق می‌تواند به امارات، بزرگ‌ترین شریک تجاری خود مرتبط شود و قطری‌ها اعتقاد دارند تصرف این منطقه توسط عربستان موجب می‌شود تمام راه‌های زمینی قطر به عربستان منتهی شود و برای ارتباط و دستیابی به کشور امارات باید از خاک عربستان عبور کنند.

از دیگر مناطق مورد اختلاف میان عربستان و قطر جزیره «حالول» است. فاصله دریایی این جزیره از «خارک» دویست و پنجاه کیلومتر و از جزایر «قوین» دویست و بیست و نه کیلومتر است. حالول در شرق قطر واقع شده و میدان‌های نفتی «مَهْزَم» و «العَدَّ الشَّرْقِی» از جمله چاه‌های نفتی نزدیک به آن هستند. جزیره حالول همچنین دارای ذخایر و تأسیسات نفتی است. همچنین دو کشور بر سر منطقه «خور العدید» که در جنوب شرقی قطر واقع شده و به دلیل طبیعت بیابانی و ساحلی بسیار زیبایش در قطر «جواهر خلیج» نامیده می‌شود، اختلاف دارند.

^{۳۲} <http://treaties.un.org/doc/publication/unts/volume%201733/i-30250.pdf>

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۲۷

قطر به توافق‌نامه ۱۹۷۴ م. / ۱۳۵۳ ش. منعقد شده بین ریاض و امارات متحده عربی بر سر «خور العدید» معترض است و درگیری فوق‌همچنان ادامه دارد. زیرا بر مبنای توافق‌نامه جده یک باریکه به میزان بیست و پنج کیلومتر از سمت شرقی خورالعدید به عربستان داده شد و از طریق عربستان یک خروجی به خلیج فارس از سمت شرقی قطر به دست آورد.^{۲۷۳}

به گفته پایگاه اینترنتی ایلاف وابسته به عربستان سعودی در جریان نشست مشورتی سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۲۰۰۵ م. / ۱۳۸۴ ش. در شهر ریاض، پایتخت عربستان مسئله برقراری آشتی میان عربستان و قطر مطرح و از شیخ «صباح الاحمد الجابر الصباح»، امیر کویت خواسته شد برای آشتی ریاض و دوحه گام‌هایی بردارد. عربستان در سال ۲۰۰۶ م. / ۱۳۸۵ ش. با احداث خط لوله «دلفین»^{۲۷۴} برای انتقال گاز قطر به امارات مخالفت و ادعا کرده بود که این خط لوله از آب‌های سرزمینی عربستان (منطقه‌ای به نام گذرگاه خورالعدید) عبور می‌کند.^{۲۷۵} عربستان بر این باور است که براساس توافق‌نامه ۱۹۷۴ م. / ۱۳۵۳ ش. جده، منعقد شده بین عربستان و امارات این منطقه نیز به عربستان تعلق دارد. امارات نیز نگران است، عربستان مدعی آب‌های سرزمینی محدوده بیست مایلی شود که راهروی بین امارات و قطر است و نتیجه آن تعلق منابع نفتی «زرکوه» به عربستان سعودی است که امارات و قطر در حال حاضر از آن بهره‌برداری می‌کنند.

این منطقه دارای ذخائر نفتی فراوانی است که در امتداد خط ساحلی به طول بیست و پنج کیلومتر به سواحل خلیج فارس در حد فاصل مرزهای خاکی ابوظبی و قطر به خاک عربستان افزوده شده است که هشتاد درصد ذخائر نفتی منطقه «خیز الشیبیه» است که طبق برآوردها دارای بیش از پانزده میلیارد بشکه ذخایر قطعی نفت و حدود ششصد و پنجاه میلیون مترمکعب گاز طبیعی است.^{۲۷۶} در ادامه این اختلاف‌ها، در آغاز سال ۲۰۰۵ م. / ۱۳۸۴ ش. دولت قطر

^{۲۷۳} <http://www.archiveeditions.co.uk/title/details.asp?tid=34>

^{۲۷۴} Dolphin pipeline

^{۲۷۵} Morton, Michael Quentin, Buraimi: The Struggle for Power, Influence and Oil in South-eastern Arabia, to be published in 2013 by I.B. Tauris, 2013.

^{۲۷۶} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911005001213>

تابعیت حدود چهارهزار نفر قطری از قبیله «بنی مره^{۲۷۷}» را به اتهام دست داشتن در ناآرامی‌های سال ۱۹۹۷ م. ۱۳۷۶ ش. لغو و تمامی دارایی‌های آنها را ضبط و آنها را از قطر اخراج کرد. قبیله بنی مره را باید از جمله قبایل سرزمین جزیره‌العرب یعنی عربستان کنونی برشمرد که افرادی از آن از سال‌ها پیش در مناطق جنوبی قطر سکنی گزیده و پس از تشکیل کشوری به نام قطر به تابعیت این کشور در آمده بودند؛ اما پس از بروز اختلافات ارضی و مرزی میان قطر و عربستان، دوحه در اقدامی تابعیت حدود چهارهزار نفر از افراد این قبیله را لغو کرد؛ به طوری که تعداد زیادی از این افراد به سمت مناطق شرقی عربستان رفتند و تعداد دیگری در صحرا سکونت گزیدند.^{۲۷۸}

این مسئله مورد اعتراض شاهزاده «طلال بن العزیز»، برادر پادشاه عربستان و رئیس برنامه خلیج فارس در پشتیبانی از نهادهای رشد و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد واقع شد و از قطر خواست در اخراج هزاران قطری که صدها سال در آن منطقه زندگی کرده‌اند، تجدید نظر کند. به همین دلیل باید گفت که اختلاف میان ریاض و دوحه از درگیری‌های سرزمینی و ارضی فراتر رفته و وارد عرصه ساختاری شده است؛ به طوری که این دو کشور در بسیاری موارد در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مواضعی متضاد و در تعارض با یکدیگر اتخاذ می‌کنند.

همچنین در اجلاس شانزدهم سران شورای همکاری خلیج فارس، اختلاف عربستان و قطر بر سر انتخاب دبیرکل شورای همکاری شدت گرفت. هر یک از دو کشور قطر و عربستان دو نفر را داوطلب این سمت کرده بودند که نماینده عربستان «ابراهیم حجیلان^{۲۷۹}» با پنج رأی موافق در مقابل رأی مخالف قطر به‌عنوان دبیرکل شورا برگزیده شد. امیر قطر در اعتراض به انتخاب نماینده عربستان به‌عنوان دبیرکل شورا اجلاس پایانی را تحریم و اعلام کرد هر اجلاسی که حجیلان دبیرکل سعودی در آن حضور داشته باشد، توسط کشور قطر تحریم خواهد شد که این موضوع به‌منزله خروج موقت قطر از شورای همکاری تلقی شد. این دو کشور که هرکدام داعیه رهبری جهان عرب و تقویت نفوذ خود در بین کشورهای این منطقه را

^{۲۷۷} Bani Mare

^{۲۷۸} <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910201000027>

^{۲۷۹} Ebrahim Hojeilan

دارند، در تلاش هستند که دایره نفوذ رقیب خود را محدود کنند و نفوذ خود را گسترش دهند.^{۲۸۰}

پیش از این منابع آگاه عربی از سفر محرمانه وزیر امور خارجه امارات به عربستان برای هشدار درباره توطئه قطر علیه امارات و عربستان سعودی خبر دادند. این منابع افزودند عربستان هدف بعدی توطئه قطر است؛ به‌ویژه که دوحه در توطئه خود علیه سوریه شکست خورده است و آرزوی قطر این است که تنها کشور باثبات در جهان عرب باشد. البته عربستان نیز از رقیب خود جا نمانده و در این زمینه تلاش دارد که قطر را بی‌ثبات نشان دهد و نزاع خانوادگی در خاندان این کشور را هر از گاهی در رسانه‌های خود مطرح می‌کند که نمونه‌اش خبر طرح کودتا در این کشور بود که اخیراً از سوی شبکه خبری «العریبه» وابسته به ریاض منتشر شد. سعودی‌ها نیز از گذشته به دلایل مختلف از جمله سیاست‌های قطر در قبال منطقه، سیاست‌های شبکه «الجزیره» و رقابت‌های خانوادگی بین خود، از بی‌ثباتی در قطر استقبال می‌کنند و ریاض حال حاضر را زمان مناسبی دانست که با تولید خبر، فضای داخلی قطر را به چالش بکشد. این واکنش سعودی‌ها نشان می‌دهد کشورهای امیرنشین علی‌رغم اینکه همبستگی روابطشان را در شورای همکاری به نمایش می‌گذارند، روابط بسیار شکننده‌ای دارند و تا حد براندازی یکدیگر و تمایل برای بی‌ثباتی برای کشور مقابل پیش می‌روند. اختلافات مربوط به سیاست‌های منطقه‌ای بین قطر و عربستان و رقابت برای کسب حوزه‌های جدید نفوذ باعث درگیری‌های آنها شده و قطری‌ها با تکیه بر فقدان آزادی و از طریق رسانه الجزیره به شدت به سعودی‌ها حمله می‌کنند که این اقدامات خشم سران سعودی را به همراه داشته است.^{۲۸۱}

اختلاف سرزمینی و مرزی امارات متحده عربی با عربستان

کشور امارات متحده عربی به‌علت تازه‌تأسیس بودن دارای اختلافات فراوانی با همسایگان خود است که علت این اختلاف به نظر کارشناسان ریشه در دو نکته مهم دارد. برخی بر این

^{۲۸۰} رضا پاکدامن، «شورای همکاری خلیج فارس: بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها»، سلسله‌مقالات خاورمیانه‌شناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۴.

^{۲۸۱} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911005001213>

باورند نوع مرزبندی‌ای که انگلستان طراح آن بوده و در بسیاری از مناطق خاورمیانه پیاده شده، موجب بروز اختلافات قومی، زبانی، طایفه‌ای و قبیله‌ای شده است. گروهی دیگر از کارشناسان نیز اعتقاد دارند این اختلاف‌ها از خصوصیات و ویژگی‌های کشورهای تازه شکل گرفته است؛ به‌ویژه زمانی که منابع زیرزمینی یا منابع فسیلی در مرز مشترک دو کشور واقع شده باشد و در این صورت کشوری که دارای تاریخ سیاسی طولانی‌تری باشد، ادعای مالکیت بر بخش‌هایی از سرزمین کشور تازه‌تأسیس را می‌نماید. اما درباره امارات متحده عربی علاوه بر ذکر دو علت یادشده، باید علت دیگری را نیز به آن اضافه کرد و آن اینکه امارات متشکل از چند امیرنشین دارای اختلافات ریشه‌ای فراوانی درون خویش است؛ به همین دلیل سران این کشور سیستم فدرالی را برای اداره سرزمین چند تکه خود اتخاذ کردند، تا بتوانند با وجود اختلافات امارت‌های هفت‌گانه تحت یک پرچم واحد قرار گیرند.

با این حال در طول حدود چهار دهه این کشور شاهد اختلاف نظر بسیاری بین هفت امیرنشین بوده و تنها زمانی که اختلافات خارجی امارات با دیگر کشورها مطرح شده، نوعی اتحاد میان هفت امارت بوجود آمده است. امارات متحده عربی هر از چندگاهی با طرح ادعاهای واهی بر مالکیت خطه‌ای از سرزمین کشورهای همجوار خود توانسته به‌صورت موقت از شعله‌ور شدن اختلافات در داخل خود جلوگیری کند. این درحالی است که صرف نظر از اختلافات داخلی امیرنشین‌های امارات با یکدیگر، در داخل هر یک از امیرنشین‌ها نیز اختلافات داخلی دیده می‌شود و گواه بر این مدعی درگیری «شیخ راشد آل مکتوم»، نخست‌وزیر امارات با دو فرزندش «حمدان» و «مکتوم» است که در نهایت نیز یکی از فرزندان پدرش را مورد ضرب و شتم قرار داد.

شدت این اختلافات به حدی بود که در تمام امارت دبی که مملو از تصاویر نخست‌وزیر و فرزندش بود، تمامی تصاویر فرزندان نخست‌وزیر به دستور پدر جمع‌آوری شدند و امروز در دبی فقط تصویر حاکم دبی و نخست‌وزیر امارات نصب می‌شود. همچنین هر یک از امارت‌ها در بین خود و با امارت مجاور نیز اختلافات مرزی دارند. سکونت اقوام متنوع که با هم سنخیت چندانی هم ندارند، وجود پیروان مذاهب مختلفی چون حنبلی‌ها، شافعی‌ها، مالکی‌ها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مجزا و بافت اجتماعی مختلف و متعارض، از جمله

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۳۱

عواملی است که باعث جدایی کامل هریک از امارت‌ها از یکدیگر و بروز اختلافات میان آنها می‌شود.^{۲۸۲}

ادعاهای ارضی عربستان نسبت به امارات متحده عربی دو سوم خاک این کشور را دربرمی‌گیرد و شامل مناطق آباد و نفت‌خیز امارات همانند «بوریمی»^{۲۸۳}، «العین»^{۲۸۴}، «لیوا»، «ظفره» و «زراره»^{۲۸۵} می‌شود. در سال‌های ۵۵-۱۹۵۲ م. ۱۳۳۱-۱۳۳۴ ش. کشمکش‌های زیادی بر سر واحه بوریمی روی داد تا این که در سال ۱۹۷۴ م. ۱۳۵۳ ش. عربستان در مقابل انصراف از بوریمی به مناطق استراتژیک غرب امارات به نام خورالعدید دسترسی پیدا کرد و بهره‌برداری از میدان نفتی زراره را به صورت انحصاری به دست آورد.^{۲۸۶}

منطقه نفتی العدید در قلمرو امارات متحده عربی است که عربستان داعیه آن را دارد و تاکنون خشونت‌های بسیاری بین این دو کشور بر اثر این اختلاف رخ داده است. روابط ریاض-ابوظبی در یک سال اخیر دچار چالش جدی شده که بخش عمده‌ای از آن به مشکلات مرزی طرفین برمی‌گردد. چندی پیش نیز روزنامه «القدس العربی» در گزارشی نوشت: اختلافات مرزی میان عربستان و امارات متحده عربی وارد مرحله تازه‌ای شده و انتظار می‌رود که این موج تازه نه تنها دیگر کشورهای عضو شورا، بلکه ماهیت اساسی آن را نیز زیر سؤال ببرد. تمامیت‌خواهی عربستان از یک‌سو و ادعاهای ارضی امارات متحده از سوی دیگر فتیله اختلافات را به‌رغم ادعا درمورد وجود هماهنگی میان دو کشور به شدت افزایش داده و انتظار می‌رود که دور تازه اختلافات علنی‌تر شود.^{۲۸۷}

از جمله مناطق مورد اختلاف - همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید - «بوریمی»^{۲۸۸} است.

^{۲۸۲} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911005001213>

^{۲۸۳} Buraimi

^{۲۸۴} Al Ain

^{۲۸۵} Zarareh

^{۲۸۶} جعفری ولدانی، همان، ص ۲۴.

^{۲۸۷} <http://www.islamtimes.org/vdcdn79x.ak9yw4prra.html>

^{۲۸۸} Buraimi

بوریمی منطقه‌ای است پرآب و سرسبز دارای ذخایر نفتی که در فاصله صد مایلی جنوب شرقی ابوظبی واقع شده است و چند دهکده سرسبز و مناطق آبادان و نخلستان‌ها را دربرمی‌گیرد. اختلاف و مناقشه بر سر بوریمی نخستین بار در سال ۱۹۴۹ م. ۱۳۲۸ ش. به دلیل ادعای عربستان سعودی نسبت به بخش عمده‌ای از قلمرو ابوظبی که در آن نفت وجود داشت، ایجاد گردید. عربستان بر مبنای سابقه تاریخی و مدارک مالیاتی این ادعا را می‌کرد؛ زیرا واحه بوریمی یکبار از سوی اجداد پادشاه سعودی عبدالعزیزین سعود اشغال شده بود و این ادعا از سوی شرکت نفتی آرامکو که در زمینه‌های تحقیقاتی و حمل و نقل به عربستان خدمات ارائه می‌نمود، حمایت می‌شد. در سال ۱۹۵۲ م. ۱۳۳۱ ش. یک گروه کوچک از نگهبانان عربستان سعودی به دستور امیر سعودی وارد قلمرو ابوظبی شدند و یکی از روستاهای عمانی به نام حماسا^{۲۸۹} در واحه بوریمی را اشغال کردند. عربستان ادعا کرد که آن روستا بخشی از استان شرقی عربستان است. سلطان مسقط و امام عمان نیروهای خود را برای بیرون انداختن عربستان جمع نمودند؛ اما با اقدامات بریتانیا متقاعد گردیدند که از این کار خودداری کنند. بنابراین اختلاف بر سر بوریمی به تدریج ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. در ۳۰ جولای ۱۹۵۴ م. ۸ مرداد ۱۳۳۳ ش. قرار شد که اختلاف مذکور به دادگاه داوری بین‌المللی ارجاع داده شود.^{۲۹۰} در حالی که عربستان سعودی تلاش می‌کرد با دادن رشوه این روند را تحت الشعاع قرار دهد. در ۱۹۵۵ م. ۱۳۳۴ ش. روند داوری در ژنو آغاز به کار کرد و بر مبنای آن طرف سعودی مجبور شد که حماسا را ترک کند. این مناقشه برای چندین سال کم‌وبیش ادامه داشت تا این که در ۲۱ آگوست سال ۱۹۷۴ م. ۳۰ مرداد ۱۳۵۳ ش. براساس توافقنامه جدّه^{۲۹۱} که بین سه کشور منعقد شد، به‌ظاهر فیصله پیدا کرد؛ اما همواره به‌عنوان منبع بالقوه درگیری بین سه کشور باقی مانده است.^{۲۹۲} شایان ذکر است که مفاد و بندهای توافقنامه ۱۹۷۴ م. ۱۳۵۳ ش.، تا

^{۲۸۹}HAMASA

^{۲۹۰} <http://www.enhg.org/resources/articles/rulers/rulers.htm>

^{۲۹۱}Treaty of Jeddah

^{۲۹۲}Michael Quentin Morton, Buraimi: the Struggle for Power, Influence and Oil in South-eastern Arabia, to be published in 2013 by I.B. Tauris, 2013.

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۳۳

سال ۱۹۹۵ م. / ۱۳۷۴ ش. فاش نگردید.^{۲۹۳} براساس توافقنامه ۱۹۷۴ م. / ۱۳۵۳ ش.، شش روستا در منطقه بوریمی، از جمله العین و قسمت عمده‌ای از بیابان ظفره به امارات متحده عربی تعلق گرفت.^{۲۹۴} براساس ماده سه توافقنامه نیز، تمام منابع هیدروکربنی در زراه متعلق به پادشاهی عربستان گردید و حق استخراج و بهره‌برداری از آن‌ها به آن کشور داده شد.^{۲۹۵}

در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ م. / ۱۳۸۴ ش. نیز این اختلاف مرزی بین عربستان و امارات جدی شد. امارات متحده عربی نقشه‌هایی را از کشور خود به چاپ و انتشار رساند که در آن کشور امارات به سمت غرب و تا نزدیکی قطر گسترش یافته است. مسئولین عربستانی معتقد بودند که امارات برخلاف قرارداد «۱۹۷۴ جده» / ۱۳۵۳ ش. درباره مرزهای دو کشور عمل کرده است؛ درحالی که برخی تحلیل‌گران سیاسی اعتقاد دارند که منشأ بحران به تلافی اقدام عربستان در راستای فشار بر امارات به دلیل خروج این کشور از پول عربی بوده است. به عبارت دیگر، پس از آن که دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس مقر بانک مرکزی پول واحد کشورهای این شورا را به عربستان واگذار کرد، دولت امارات در اعتراض به این امر خود را از این طرح کنار کشید. به دنبال این اقدام امارات، تشکیل پول واحد عربی تاحدودی به حاشیه رفت و اجرای این طرح برای مدتی به فراموشی سپرده شد و با وجود سفر چند مقام بلندپایه عربستانی به امارات و گفتگو برای بهبود روابط دو کشور که در پی این تصمیم به وجود آمده بود، روابط ریاض-ابوظبی همچنان تیره است.^{۲۹۶} در سال ۲۰۰۶ م. / ۱۳۸۵ ش.، امارات به صورت گسترده دوباره این اختلاف را مطرح کرد و سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را مطالبه نمود.^{۲۹۷}

وزارت خارجه امارات از شهروندان خود خواست برای سفر به عربستان گذرنامه تهیه کنند

^{۲۹۳} http://en.wikipedia.org/wiki/Treaty_of_Jeddah

^{۲۹۴} <http://www.arabicnews.com/ansub/Daily/Day/050223/2005022318.html>

^{۲۹۵} Richard Schofield, Evans K. Elizabeth. (eds), *Arabian Boundaries: New Documents: 1966-1975*, Cambridge University Press, 2009, p.viii–xv.

^{۲۹۶} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1391100500121>

^{۲۹۷} <http://www.washingtoninstitute.org/print.php?template=C05&CID=2431>

۱۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

و عربستان نیز در آگوست ۲۰۰۹ م. / ۱۳۸۸ ش. در اقدامی غیرمنتظره تردد اتباع دو کشور را با کارت شناسایی ممنوع کرد و اتباع امارات را که تا پیش از این فرمان وارد عربستان شده بودند، وادار به دریافت مجوز خروج از سفارت امارات در ریاض کرد. این تصمیم سرگردانی تعداد بی‌شماری از اتباع امارات در مرزهای عربستان را به دنبال داشت و آن‌ها را واداشت برای دریافت مجوز فاصل یک‌هزار کیلومتری مرز عربستان تا ریاض را طی کنند. دلیل دیگر این واکنش عربستان ترسیم نقشه‌ای از کشور امارات بر روی کارت شناسایی شهروندان این کشور بود که با مرزبندی کنونی صورت گرفته توسط دو کشور و قرارداد مرزی سال ۱۹۷۴ م. / ۱۳۵۳ ش. مغایرت داشت. دولت امارات در نقشه روی کارت‌های ملی اتباع خود خاک امارات را متصل به قطر ترسیم کرده بود.^{۲۹۸} همچنین، در سال ۲۰۰۹ م. / ۱۳۸۸ ش. امارات به دلیل انتخاب عربستان به عنوان مرکز مالی این کشورها، با ایجاد یک واحد پولی مشترک بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس مخالفت کرد و نطفه‌های اتحاد اقتصادی بین این کشورها را از بین برد.^{۲۹۹}

اختلاف سرزمینی و مرزی عمان با امارات متحده عربی

عمان و امارات نیز همانند سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای اختلاف مرزی و سرزمینی هستند. امارات بین دو قسمت شمالی و جنوبی عمان جدایی انداخته است. عمان خواهان راهی است که آن کشور را به شبه جزیره «مسندم»^{۳۰۰} از طریق «فجیره»^{۳۰۱} و «شارجه»^{۳۰۲} متصل نماید؛ درحالی که امارات مخالف این درخواست عمان بوده و این مخالفت سبب درگیری مسلحانه بین دو کشور در سال ۱۹۷۹ م. / ۱۳۵۸ ش. گردید و دو کشور تا مه ۱۹۹۱

^{۲۹۸} RIYADH (Reuters), <http://in.reuters.com/article/2009/08/23/idINIndia-41923020090823>, (| Sun Aug 23, 2009 7:42pm)

^{۲۹۹} <http://www.irna.com/fa/NewsPrint.aspx?ID=172510>

^{۳۰۰} Musandam

^{۳۰۱} Fujairah

^{۳۰۲} Sharjah

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۳۵

م. ۱۳۷۸/ ش. از هرگونه روابط کامل دیپلماتیک خودداری نمودند.^{۳۰۳} البته عمان با دریافت کمک مالی سالانه از امارات متحده عربی، ادعاهای ارضی خود را مسکوت گذاشت و با برقراری روابط سیاسی و سفر متقابل سران دو کشور، اختلافات موجود شدیداً کاهش یافت.^{۳۰۴} با این وجود اختلافات بین عمان و امارات در شبه‌جزیره مسندم به‌صورت یک منبع تنش بلندمدت درآمده است. به‌گونه‌ای که در ۸ نوامبر ۱۹۹۲ م. ۱۷/ آبان ۱۳۷۸ ش. بین دو کشور بر سر منطقه مسندم برخورد نظامی صورت گرفت و چند نفر از افراد دو کشور کشته شدند.^{۳۰۵} دو کشور از تبادل سفیر خودداری کردند تا این که در سال ۱۹۹۹ م. ۱۳۷۸ ش. درخصوص مرز آنها توافقی صورت گرفت.

اختلاف سرزمینی عمان با عربستان

عمان در گذشته با عربستان سعودی هم اختلاف ارضی داشته است؛ اما هم‌اکنون عمان با درک موقعیت برتر عربستان در شورای همکاری خلیج فارس و بهره‌مندی از کمک‌های مالی آن کشور، مشکلات موجود را حل کرد و روابط خارجی‌اش را بهبود بخشید. البته دیدار ملک فهد در ۱۹۸۹ م. ۱۳۶۸ ش. از مسقط، آغازی برای حل و فصل دائمی اختلافات مرزی بود.^{۳۰۶} عمان به دلیل اختلافات تاریخی و مذهبی خود با عربستان سعودی همواره این کشور را به‌عنوان رقیب و دشمن دیرینه خود تلقی می‌کند. عربستان سعودی و عمان بر سر کنترل واحه‌های بوریمی بارها زدوخورد و درگیری‌های نظامی پیدا کردند و اکتشاف نفت در دهه پنجاه در مناطق عمان به درگیری‌های جدی بیشتری بین طرفین منجر شد؛ زیرا بحران این منطقه تا حدودی از رقابت آمریکا و انگلیس به‌منظور بهره‌برداری از مناطق زیرزمینی آن سرچشمه گرفته بود. همچنین عربستان سال‌ها بود که از امام «غالب بن علی» و برادرش طالب علیه سلطان حمایت می‌کرد؛ لکن با سفر سلطان قابوس به ریاض در سال ۱۹۷۱ م. ۱۳۵۰ ش. همه اختلافات در ظاهر کنار گذاشته شد و عربستان از حمایت نهضت امامیون عمان دست

^{۳۰۳} <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?P=NEWS2&Nu=213>

^{۳۰۴} <http://noorportal.net/90/1646/1647/34765.aspx>

^{۳۰۵} جعفری ولدانی، همان، ص ۲۴.

^{۳۰۶} <http://noorportal.net/90/1646/1647/34765.aspx>

کشید؛ با این وجود، به امام غالب و برادر خود طالب درخاک خود پناه داد. اختلاف بین عربستان و امارات بر سر واحه بوریمی و منطقه ربع الخالی که در مقاطع مختلف بین دو کشور جریان داشته است، ظاهراً در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران متوقف اما پس از پایان جنگ مجدداً از طرف سعودی‌ها مطرح شد.

خصوصیت و کینه شدید دو مذهب اباضیه و وهابیت نیز همواره یکی دیگر از موارد اختلاف بین عربستان سعودی و عمان بوده است. اباضی‌ها معتقدند که وهابیت کفر و الحاد است؛ به همین دلیل مذهب وهابی تاکنون نتوانسته در عمان نفوذ کند. عوامل فوق موجب شده که عمانی‌ها پیوسته با سوءظن و عدم اعتماد به عربستان سعودی نگرینسته و حاضر به پذیرش سیادت و قدرت‌طلبی آنها نباشند. عمانی‌ها با درک موقعیت برتر عربستان در مجموعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از یک‌سو و امکان استفاده از کمک‌های مالی آن کشور از سوی دیگر سعی کرده‌اند مشکلات خود را با عربستان حل نموده و روابط خوبی با آن کشور برقرار نمایند. در این راستا به دنبال دیدار خصوصی فهد پادشاه عربستان سعودی از ۲۱ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۸۹ م. ۳۰/ آذر تا ۱ مهر ۱۳۶۸ ش. از مسقط، دو کشور توافق کردند که مرزهای فی‌مابین خود را علامت‌گذاری کنند. به‌طور کلی انگیزه عمان از حل مشکلات مرزی با عربستان سعودی را می‌توان در سیاست این کشور جهت کاهش تنش و ایجاد موازنه قوا در منطقه و همچنین بهره‌مندی از منابع مالی سرشار عربستان سعودی جستجو کرد.^{۳۰۷}

نتیجه

با توجه به آنچه که بیان گشت روشن می‌گردد که اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حاشیه خلیج فارس که از عصر استعمار انگلستان به جا مانده، کماکان به قوت خود باقی است و این نشان از عدم توافق این کشورها بر سر مسایل سرزمینی دارد و در صورتی که برای آن سیاست‌گذاری مناسبی صورت نگیرد، بستری چالشی برای امنیت این منطقه استراتژیک خواهد بود. در واقع عواملی نظیر شیوه زندگی قبیله‌ای، زبان، دین و ... از جمله عناصر مشترک

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۳۷

کشورهای منطقه جنوب خلیج فارس و مواردی نظیر اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، اختلافات در سیاست خارجی و اختلافات ارضی و مرزی از جمله عوامل افتراق کشورهای این منطقه محسوب می‌گردد؛ هرچند دلایل مختلفی اعم از تاریخی، سیاسی و حقوقی را در این خصوص می‌توان بر شمرد. در هر صورت عدم کنترل و به فعلیت رسیدن آنها، لطمات جبران‌ناپذیری را به شورای همکاری خلیج فارس وارد خواهد آورد. در واقع کشورهای جنوبی خلیج فارس هر کدام به دنبال منافع حداکثری خود براساس فرمول «بازی با حاصل جمع صفر» هستند و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. کشورهای این منطقه در راستای خروج از این وضع نابسامان ارضی و مرزی باید سیستمی را طراحی نمایند که بدون دخالت هرگونه قدرت خارجی و غیرکرانه‌ای و مشارکت تمامی کشورهای منطقه و نیز به‌کارگیری تدابیر سیاسی و حقوقی، بتواند به حل و فصل اختلافات دست یازد.



منابع و ماخذ:

فارسی:

کتاب:

- جعفری ولدانی، اصغر، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران: قومس، ۱۳۷۴.
- کمپ، جفری، رابرت هارکاوی، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- مجتهدزاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس: سلسله نوشتاری در جغرافیای سیاسی خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۱.
- _____، امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

مقالات:

- پاکدامن، رضا، «شورای همکاری خلیج فارس: بررسی مواضع و جهت گیری‌ها»، سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۴.
- اسدی، علی اکبر، «شورای همکاری خلیج فارس: مبانی، ساختار و الگوها»، پژوهشنامه سیاست خارجی، مهر، ش ۲۸، ۱۳۸۹.
- مجتهدزاده، پیروز، «مرز چیست و مرز سیاسی کدام است»، هفته‌نامه اراده آذربایجان، نهم تیرماه، ۱۳۵۲.
- واعظی، محمود، «ترتیبات امنیتی خلیج فارس»، راهبرد، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵.

انگلیسی:

Books:

اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس... ۱۳۹

- Clarke, Angela, **The islands of Bahrain: an illustrated guide to their heritage**. [Manama, Bahrain] (P.O. Box 5087, Manama): Bahrain Historical & Archaeological Society, 1981.
- Hill, Mike, **Hawar Islands**, Miracle Publishing, 2005.
- kamrava, Mehran, ed., **International Politics of the Persian Gulf**, Syracuse: Syracuse University Press, 2011.
- Morton, Michael Quentin, **Buraimi: the Struggle for Power, Influence and Oil in South-eastern Arabia**, to be published in 2013 by I.B. Tauris, 2013.
- Peterson, J.E., "Sovereignty and Boundaries in the Gulf States: Settling the Peripheries", in Mehran kamrava, ed., **International Politics of the Persian Gulf**, Syracuse: Syracuse University Press, 2011.
- Schofield Richard, Evans K. Elizabeth. (eds), **Arabian Boundaries: New Documents:1966-1975**, Cambridge University Press, 2009.
- Taylor, Peter J., **Political Geography**, 2nd ed., Longman Group Ltd, London, 1989.

وب سایت‌ها:

- http://www.mongabay.com/history/oman/oman-territorial_disputes.html
- http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%DB%8C%DA%98%D9%87:%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%A8%D8%B9_%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/9990137137
- CIA - The World Fact book , <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?sum=443&code=qd&p1=3&p2=3&case=87&k=61&p3=5> Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain)http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iqb/iqbjudgments/ijudgment_20010316/iqb_ijudgment_20010316.htm
- <http://www.theestimate.com/public/032301.html>
- <http://treaties.un.org/doc/publication/unts/volume%201733/i-30250.pdf>
- <http://www.archiveeditions.co.uk/titledetails.asp?tid=34>
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911005001213>